

دیدگاه‌های اساتید در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و راهکارهای تحقق آن پاییز ۱۳۸۴

سید نقیب السادات

الف) مقدمه

انقلاب اسلامی در عصر اطلاعات، با چالشی بزرگ در عرصه‌ی اندیشه‌پردازی و تولید علم مواجه است؛ چالشی که از دوران گذشته شکل گرفته است و آثار خود را بر تمام شئون فردی و اجتماعی بر جای گذاشته است. این مسأله اندیشمندان و صاحب نظران نواندیش را به چاره‌جویی واداشته است و به نظر می‌رسد تنها راه حل ارتقای کیفیت و کمیّت در تولید علم و فکر در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که: «تولید بر ترجمه و تکرار و نیز اجتهاد بر تقلید، فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی همچنان قهقرایی خواهد ماند.»

با توجه به آموزه‌های اسلامی مبنی بر فراخوانی انسانها به دانش‌آموزی و مناظره و جدال احسن که در نتیجه‌ی آن جامعه‌ی اسلامی شاهد دوره‌ی درخشانی از تمدن اسلامی در رسیدن به اوج قله‌های علم و معرفت بود،

می‌توان با اتکا به سرمایه‌های عظیم بالفعل و بالقوه در جوامع اسلامی، راه تعالی و تولید دانش را پیمود و امت اسلامی را در قله‌ی رفیع تمدن‌سازی قرار داد و به فرموده‌ی مقام معظم رهبری:

«در آن روزی که سهم اخلاق و سهم منطق یک جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی در این جامعه است و کلید جنبش نرم‌افزاری علمی و دینی در کلیه‌ی علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.... سرنوشت؛ عبارت از این است که تمدن اسلامی یکبار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند.»

اینک وظیفه‌ی مراکز و محافل علمی فرهنگی است که با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، ضمن رعایت اصول اخلاقی تحقیق، منطق مناظره، حرمت آزادی اندیشه، دوری از خودباختگی و تقلید؛ در چارچوب علم به بازنگری و تأمل در مفاهیم، سیاستها و روشها اقدام نمایند و افقهای نوینی را ایجاد کنند.

ب) بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

چون این بررسی در پی یافتن انگیزش‌های کلیدی، محرکها و ترغیبهای کارساز در تولید علم و به عبارت ساده‌تر دنبال‌نوسازی فکری است و با فطرت آدمی کاملاً سازگاری دارد و او را به سوی تکامل نزدیکتر می‌کند، نتیجه‌ی این موضوع می‌تواند زمینه ساز شرکت بیشتر و کارآمدتر جامعه‌ی ایرانی به ویژه فرهیختگان و اندیشمندان دانشگاه باشد، مخصوصاً امروزه که

در راستای عمل به رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت ارتقای سطح دانش علم و آزاداندیشی و انجام تحقیقات بنیادی در رسیدن به این هدف حرکت گسترده‌ای آغاز شده است.

اهمیت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری این است که می‌توان از طریق آن به اصلاح نظام‌های علمی و فرهنگی جامعه پرداخت. جنبش نرم‌افزاری، می‌تواند زمینه ساز فلسفه‌ی مدیران برای توسعه‌ی کشور باشد. تفوق در علم، به عنوان یک استراتژی اساسی ابقای نقش رهبری در جهان امروز است. به عبارت بهتر؛ امنیت ملی کشورها و ملل، بر پایه‌ی برتری اندیشه‌ای و فن‌آورانه است که زاینده‌ی تولید علم و نوآوری می‌باشد. در این شرایط است که با ارزیابی و فهم دنیای امروزی، بهبود وضع زندگی شهروندان ایرانی را با حفظ فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی در پیش رو خواهیم داشت. به هر حال با اجرای این پژوهش به لحاظ علمی و یا نظری، اطلاعات لازم و مقتضی در خصوص دیدگاه‌های اساتید نسبت به مقوله‌ی مورد بررسی و موانع و مشکلات پیش رو که مانع از تحقق این مقوله می‌گردد، حاصل می‌شود.

به لحاظ علمی یا اجتماعی نیز با کسب اطلاعات، زمینه‌ی لازم برای برنامه ریزی عملی و دقیق جهت تحقق مقوله‌ی مورد بررسی فراهم می‌شود. از این منظر، زمینه‌های مقتضی برای توجه مسئولان و مدیران کشور برای تدارک شرایط و امکانات لازم نیز مشخص شده، زمینه‌ی تحول و توسعه‌ی علمی شکل می‌گیرد.

۱- هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، شناخت دیدگاه‌ها و نظرات اساتید درباره‌ی

جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و شیوه‌های تحقق و شناخت موانع موجود بر سر راه این جنبش است.

۲- اهداف جزئی

اهداف جزئی طرح به شرح ذیل قابل ارائه است:

- شناخت ویژگیهای فردی پاسخگویان و نوع امکانات در دسترس.
- شناخت جایگاه علمی کشور در مقایسه با کشورهای دیگر از منظر اساتید.

- شناخت دیدگاههای اساتید در باب امکان تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم.

- شناخت موانع و مشکلات موجود بر سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید.

- شناخت راههای از میان برداشتن مشکلات و موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید.

- شناخت فرصتها و تهدیدات موجود بر سر راه تولید علمی در کشور از منظر اساتید و...

این پژوهش که تحت عنوان «دیدگاه‌های اساتید درباره جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم با هدف شناخت شیوه‌های تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و آزاداندیشی و شناخت موانع موجود بر سر راه آن» تدارک دیده شده، با روش پیمایشی انجام شده است.

۲- بیان سؤالیهای تحقیق

سؤال اصلی در این تحقیق عبارتست از:

- ارزیابی دیدگاهها و نظرات اساتید درباره جنبش نرم‌افزاری و نهضت

تولید علم و شیوه‌های تحقق آن چگونه است و موانع موجود بر سر راه این جنبش کدام است؟

سؤالهای فرعی این تحقیق عبارتند از:

- ویژگیهای فردی افراد پاسخگو و نوع امکانات در دسترس ایشان کدامند؟

- ارزیابی اساتید از جایگاه علمی کشور در مقایسه با کشورهای دیگر چیست؟

- ارزیابی اساتید در باب امکان تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و آزاداندیشی چیست؟

- موانع و مشکلات موجود بر سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید کدامند؟

- راههای از میان برداشتن مشکلات و موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از منظر اساتید کدامند؟

- فرصتها و تهدیدات موجود تولید علمی در کشور از منظر اساتید کدامند؟

- ارزیابی میزان پاسخگویی علوم، بخصوص علوم انسانی به نیازهای کنونی جامعه‌ی ایرانی از منظر اساتید چیست؟

- ارزیابی وضعیت موجود مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور از منظر اساتید چیست؟

- شیوه‌های پاسخگویی به انتظارات و توقعات علمی اساتید کدامند؟

- ارزیابی جایگاه مطلوب علمی کشور از منظر اساتید چیست؟

- ارزیابی راهکارها و شیوه‌های ارتقای مناسبات و تعامل اساتید با نظام و

جامعه‌ی دانشگاهی چیست؟

- امکانات ضروری برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم کدامند؟

- ارزیابی امکانات پژوهشی کشور از منظر اساتید برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم چیست؟

۳- روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی (*Survey Method*) بهره گرفته شده است.

۴- تکنیک تحقیق

تکنیک به کار رفته در این پژوهش، تکنیک پرسشنامه *Questionnaire* بوده است.

۵- جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی اساتید دانشگاههای سراسر کشور، اعم از دولتی و آزاد اسلامی است.

۶- برآورد حجم نمونه

پرسشنامه‌های این پژوهش در قالب روش مورد تأکید برای ۲۸۰۰ نفر از اساتید جمع‌آوری شد.

۷- روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری تلفیقی یا ترکیبی با ۲ روش احتمالی و نااحتمالی، با ۲ تکنیک چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری اتفاقی بوده است. در این پژوهش مجموعه‌ی پرسشنامه‌های تکمیل شده اختصاص به استانهای تهران، اصفهان، فارس، هرمزگان، آذربایجان شرقی،

کردستان، خراسان، خوزستان، همدان و مازندران داشته است.

۸- رویه‌ی جمع‌آوری اطلاعات

به منظور گردآوری اطلاعات در چارچوب روش نمونه‌گیری ذکر شده (نمونه‌گیری تلفیقی و ترکیبی) بدین ترتیب عمل شد که پس از تعیین اهداف و مشخص شدن متغیرهای اصلی پژوهش، ابزار طراحی و پس از آزمون آنها در قالب پرسشنامه‌ی نهایی، اطلاعات جمع‌آوری گردید. در مرحله‌ی بعدی، پس از برنامه‌نویسی کامپیوتر در محیط SPSS اطلاعات نیز وارد گردید و مورد پردازش قرار گرفت. حاصل در قالب دو دسته جداول یک بعدی و دو بعدی به همراه توصیف و تحلیل ارائه شد.

۹- سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این بررسی، سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات، سطح خرد *Micro Level* یا متغیرهای فردی و اطلاعات سطح کلان *Macro Level* مورد ارزیابی قرار گرفت.

۱۰- تکنیکهای آماری مورد استفاده برای توصیف و تحلیل اطلاعات

به منظور توصیف اطلاعات و تحلیلهای مقتضی، از هر دو دسته تکنیکهای آماری توصیفی و استنباطی بهره گرفته شد. در دسته‌ی اول، جداول توزیع فراوانی به همراه محاسبات مبتنی بر درصد و در بخش دوم، از آزمون سنجش رابطه‌ی دو متغیر؛ یعنی آزمون کای اسکور (خی ۲) استفاده شد.

به منظور سهولت پردازش اطلاعات، از نرم‌افزار SPSS بهره‌گرفته شده است و جداول آماری، مبتنی بر پردازش صورت گرفته، ارائه شده است.

جمع‌بندی توصیف یافته‌ها

* در خصوص سن پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $43/7$ درصد افراد، در گروه سنی 31 تا 40 سال بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $2/8$ درصد افراد، بالای 60 سال بوده‌اند.

* در خصوص جنس پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $77/2$ درصد افراد، مذکر و کمترین نسبت؛ یعنی $22/6$ درصد افراد، مؤنث بوده‌اند.

* در خصوص وضعیت تأهل پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $79/4$ درصد افراد، متأهل بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $18/7$ درصد افراد، مجرد بوده‌اند.

* در خصوص رشته‌ی تحصیلی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $45/6$ درصد افراد، رشته‌ی تحصیلی ایشان علوم انسانی بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی $0/1$ درصد افراد، تحصیلات حوزوی داشته‌اند.

* در خصوص سطح تحصیلات پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی 55 درصد افراد، سطح تحصیلات ایشان فوق لیسانس بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی $1/4$ درصد افراد، سطح تحصیلات ایشان فوق دیپلم بوده است.

* در خصوص وضعیت اشتغال پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $48/1$ درصد افراد، شغل دولتی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $42/1$ درصد افراد، شغل آزاد داشته‌اند.

* در خصوص عضو بودن یا نبودن در هیأت علمی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $66/9$ درصد افراد، عضو هیأت علمی بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $30/1$ درصد افراد، عضو هیأت علمی نبوده‌اند.

*در خصوص سابقه‌ی فعالیت علمی پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $54/2$ درصد افراد، پنج سال و بالاتر سابقه‌ی فعالیت علمی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $3/8$ درصد افراد، کمتر از یکسال سابقه‌ی فعالیت علمی داشته‌اند.

*در خصوص داشتن منزل شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $63/9$ درصد افراد، منزل شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $32/8$ درصد افراد، منزل شخصی نداشته‌اند.

*در خصوص داشتن دفتر کار، بیشترین نسبت؛ یعنی $47/3$ درصد افراد، دفتر کار داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $44/3$ درصد افراد، دفتر کار نداشته‌اند.

*در خصوص داشتن خودرو شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $62/1$ درصد افراد، خودرو شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $33/1$ درصد افراد، خودرو شخصی نداشته‌اند.

*در خصوص داشتن کامپیوتر، بیشترین نسبت؛ یعنی 85 درصد افراد، کامپیوتر داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی 12 درصد افراد، کامپیوتر نداشته‌اند.

*در خصوص داشتن کتابخانه‌ی شخصی، بیشترین نسبت؛ یعنی $78/2$ درصد افراد، کتابخانه‌ی شخصی داشته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $16/6$ درصد افراد، کتابخانه‌ی شخصی نداشته‌اند.

*در خصوص متصل بودن به شبکه، بیشترین نسبت؛ یعنی $69/8$ درصد افراد، به شبکه متصل بوده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $24/1$ درصد افراد، به شبکه متصل نبوده‌اند.

*در خصوص تعامل فعلی پاسخگویان با نظام دانشگاهی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴۳/۸ درصد افراد، وضعیت فعلی تعاملشان با نظام دانشگاهی را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۲/۷ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی ضعیف ذکر کرده‌اند.

*در خصوص میزان پاسخگویی به انتظارات پاسخگویان در عرصه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۳/۹ درصد افراد میزان پاسخگویی به انتظاراتشان در عرصه‌ی علمی را در حد متوسط و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۱ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی زیاد ذکر کرده‌اند.

*در خصوص مناسبترین راهکار برای تولید و شکوفایی چرخه‌ی علم و تکنولوژی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۵/۴ درصد افراد، مناسبترین راهکار را توسعه‌ی نیروی انسانی متخصص به عنوان محور توسعه ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۰/۶ درصد افراد، مناسبترین راهکار را برگزاری سمینارها، کنفرانسها و نشستهای مختلف ذکر کرده‌اند.

*در خصوص شیوه‌های ارتقای تعامل اساتید با نظام و جامعه‌ی دانشگاهی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۲/۴ درصد افراد، شیوه‌ی کمک به استادان را در ارائه‌ی به‌کارگیری الگوهای انعطاف‌پذیر ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۵/۹ درصد افراد، دسترسی آسان به منابع برای کارکنان و استادان را ذکر کرده‌اند.

*در خصوص مناسبترین راه‌حلهای ارتقای سطح تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶۶ درصد افراد، افزایش بودجه‌ی پژوهشی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۵/۶ درصد افراد، ایجاد رشته‌های علمی جدید را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص علل عقب‌افتادگی ایران از لحاظ علمی نسبت به کشورهای دیگر، بیشترین نسبت از پاسخگویان (۳۳ درصد) جایگاه علمی ایران را پایین ارزیابی کرده‌اند و راه‌حل ارتقای سطح تولید علم را افزایش بودجه پژوهش و کمترین نسبت از پاسخگویان (۷/۱ درصد) علل عقب ماندگی را عدم پاسخگویی مناسب به عملکرد مثبت مسئولین، را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص نقش مراکز علمی و پژوهشی در تولیدات علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۹/۲ درصد افراد، همه‌ی موارد را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱۶ درصد افراد، به‌ادادن این مراکز به مساله‌ی تعلیم، تربیت و آموزش را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص ضروری بودن یا نبودن آزاد اندیشی در محیط‌های علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۸۷/۴ درصد افراد، آزاداندیشی را در محیط‌های علمی ضروری دانسته‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶ درصد افراد، آنرا ضروری ندانسته‌اند.

* در خصوص الزامات آزاد اندیشی در محیط‌های علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۷ درصد افراد، آزادی بیان را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۰/۱ درصد افراد، تغییرات ساختاری در دانشگاه، اعتدال‌گرایی، ایجاد رشته‌های علمی جدید، ضابطه محوری و شایسته‌سالاری را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص موانع آزاد اندیشی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳/۸ درصد افراد، جزم اندیشی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۰/۱ درصد افراد اهداف نامعقول، فقدان نظارت، فقدان دید واقع‌گرایانه، عدم هماهنگی نظرات، فقدان زمان کافی، روشن فکری کاذب، فقدان عدالت اجتماعی،

فقدان رعایت حقوق دیگران، برخوردهای قیّم مآبانه، فقدان تحصیلات، تفکر بسته‌ی مسؤولین و عدم توجه به بعد کاربردی آن را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع آزاداندیشی، بیشترین نسبت؛ یعنی $1/7$ درصد افراد: توجه، وجدان کاری و مسؤولیت پذیری مسؤولان تربیت و استفاده از نیروی متخصص را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $0/1$ درصد افراد فرهنگ سازی کارگروهی، توسعه *IT* نیازسنجی، توجه علوم انسانی، عمل به فرامین رهبر، تلاش و پیگیری مداوم، بومی کردن علم، حذف بوروکراسی، حذف تفکر انجمادی و جزمی را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی $39/9$ درصد افراد همه‌ی موارد را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $1/3$ درصد افراد موانع اجتماعی را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع توسعه‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی $33/9$ درصد افراد برقراری رابطه بین ساخت علمی و تکنولوژی با مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $3/7$ درصد افراد، تقویت نهادهای مدیریتی سازمانهای مرتبط با علم و تکنولوژی را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری (اولویت اول)، بیشترین نسبت؛ یعنی $34/2$ درصد افراد، خود کم‌بینی و استیلائی یأس روانی بر بخشهایی از جوامع اسلامی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $0/6$ درصد افراد، کوچک بودن کشورهای اسلامی از حیث جغرافیایی را ذکر کرده‌اند.

*در خصوص راهکارهای از میان برداشتن موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری (اولویت اول)، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴۷ درصد افراد، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی تحقیقات را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۶ درصد افراد توجه به آموزش کامپیوتر و استفاده از شبکه‌ی اینترنت را در امر آموزش و پرورش ذکر کرده‌اند.

*در خصوص میزان امیدواری در زمینه‌ی قرار گرفتن ایران در جرگه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۱/۶ درصد افراد، این میزان را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱۰/۳ درصد افراد، آنرا در حد خیلی کم ذکر کرده‌اند.

*در خصوص سطح رتبه‌ی علمی ایران از منظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۵/۶ درصد افراد، رتبه‌ی علمی ایران را دهم و بالاتر ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۷/۳ درصد افراد رتبه‌ی علمی ایران را اول تا سوم ذکر کرده‌اند.

*در خصوص میزان پاسخگو بودن یا نبودن رشته‌ی علوم انسانی به نیازهای مردم و جامعه‌ی ایران، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۴/۹ درصد افراد، این میزان را در حد متوسط ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۱ درصد افراد، آنرا در حد خیلی زیاد ذکر کرده‌اند.

*در خصوص توانایی و عدم توانایی رشته‌ی علوم انسانی در پیدا کردن پویایی و رشد لازم برای شرایط کنونی کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی ۷۱/۳ درصد افراد، نظرشان منفی بوده است و کمترین نسبت؛ یعنی ۲۷/۴ درصد افراد، نظرشان مثبت بوده است.

*در خصوص ارزیابی پاسخگویان از امکانات آموزشی و پژوهشی

موجود در کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی $51/3$ درصد افراد، امکانات آموزشی را متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $0/6$ درصد افراد، آنرا خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند.

* در خصوص مسائل مورد نظر در حرکت عظیم علمی و جنبش نرم‌افزاری، بیشترین نسبت؛ یعنی 46 درصد افراد، حمایت از پژوهشگران را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $0/8$ درصد افراد، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دیگران را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص ارزیابی پاسخگویان جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، بیشترین نسبت؛ یعنی $45/5$ درصد افراد، این جایگاه را متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $2/4$ درصد افراد، آنرا خیلی بالا ارزیابی کرده‌اند.

* در خصوص ارزیابی پاسخگویان به میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی بیشترین نسبت؛ یعنی $41/1$ درصد افراد، میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور را در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $1/2$ درصد افراد، این میزان را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

* در خصوص ارزیابی برنامه‌ریزی کشور، جهت برنامه‌های علمی، بیشترین نسبت؛ یعنی $41/1$ درصد افراد، برنامه‌ریزی کشور را جهت برنامه‌های علمی، متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $0/5$ درصد افراد، آنرا خیلی قوی ارزیابی کرده‌اند.

* در خصوص میزان امکانات پژوهشی و مطالعاتی موجود در کشور

برای تحقق جنبش نرم‌افزاری، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴/۴۵ درصد افراد میزان امکانات موجود در کشور را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۶/۰ درصد افراد؛ آنرا در حد خیلی قوی ارزیابی کرده‌اند.

*در خصوص امکانات ضروری برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱۰ درصد افراد، سرمایه‌گذاری، بودجه و نظارت بر صرف آن را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، بومی کردن تکنولوژی، پرهیز از قشری‌نگری، سیاست‌زدایی از محیط علم، واقع‌بینی و عقل‌گرایی، عمل‌گرایی، اصلاحات دولتی، جمع‌آوری همه‌ی امکانات زیر نظر یک سازمان، استفاده از نتایج تحقیقات قبلی، توجه به بنیان خانواده، توجه به کیفیت موضوعات تحقیق، استفاده از کارشناسان هر رشته، خروج از انزوای سیاسی، حرفه‌ای شدن تحقیقات، تفکر، تبلیغات، تکیه بر فرهنگ بومی، نیروی اجرایی تعهد، توجه به استانداردهای علمی، جهت‌دهی به محیط علمی، مطالعه و کتابخوانی، توسعه‌ی دموکراسی و جامعه‌ی مدنی و تفکیک جنسی محیط‌های علمی را ذکر کرده‌اند.

*در خصوص قابل تحقق بودن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری در نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱/۶۴ درصد افراد، این دیدگاهها را قابل تحقق دانسته و کمترین نسبت؛ یعنی ۸/۰ درصد افراد، آنها را تا حدودی قابل تحقق دانسته‌اند.

*در خصوص تمهیدات تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵/۳ درصد افراد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۰ درصد افراد، استفاده از بخش خصوصی، قانونمندی، نقد منصفانه، تجهیز کتابخانه‌ها، تدوین متون علمی،

تعهد به جنبش، جلوگیری از فرار مغزها، IT دموکراسی، فعالیت بیشتر دانشگاهها، ریشه‌یابی و حذف منابع، توجه به علوم انسانی، حذف بوروکراسی، توجیه خطوط قرمز، ارزیابی و نظارت مداوم و استقبال از افکار نورا ذکر کرده‌اند.

* در خصوص دلایل عدم تحقق نظرات مقام معظم رهبری، بیشترین نسبت؛ یعنی $۱/۶$ درصد افراد، فقدان مدیریت کارآمد و کمترین نسبت؛ یعنی $۰/۱$ درصد افراد، فرار مغزها، عدم خودجوشی موضوع، جذب‌اندیشی، نگرش ایشان به موضوع، فقدان نیروی متخصص، فقدان سطحی‌نگری، فرهنگ مصرفی، تک‌بعدی بودن، بوروکراسی، فقدان انگیزه، انزوای علمی، فقدان ارتباطات مناسب، عدم دسترسی به منابع و اختلاف‌نظرها را ذکر کرده‌اند.

* در خصوص پیشنهادات مطروحه برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، بیشترین نسبت؛ یعنی $۱/۴$ درصد افراد، عمل‌گرایی را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $۰/۱$ درصد افراد، ارتباط علم با اقتصاد، فضاسازی، قانونمندی، الگوسازی، ضابطه‌محوری، اطلاع‌رسانی و $۰/۰۰$ را ذکر کرده‌اند.

جمع‌بندی تحلیل یافته‌ها

* بین دو متغیر سن و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر جنس و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۵ درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر رشته‌ی تحصیلی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر سطح تحصیلات و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر وضعیت اشتغال و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر عضو هیأت علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر داشتن کامپیوتر و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر متصل بودن به شبکه و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

*بین دو متغیر وضعیت فعلی تعامل پاسخگویان با نظام دانشگاهی و

جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر میزان پاسخگویی به انتظارات علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر راهکار مناسب تولید و شکوفایی چرخه‌ی علم و تکنولوژی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر شیوه‌ی ارتقای تعامل اساتید با نظام و جامعه‌ی دانشگاهی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر راه‌حل مناسب ارتقای سطح تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر علل عقب‌افتادگی ایران از لحاظ علمی نسبت به کشورهای دیگر و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر موافقت یا عدم موافقت پاسخگویان با آزاداندیشی در محیط‌های علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد

اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر راهکار از میان برداشتن موانع توسعه‌ی علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر راهکار از میان برداشتن موانع تحقق جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر امیدواری موجود برای محسوب شدن ایران در جرگه‌ی کشورهای پیشرفته و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر رتبه‌ی علمی ایران و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر میزان پاسخگویی علوم انسانی در کشور ما به نیازهای مردم جامعه و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر داشتن یا نداشتن پویایی و رشد لازم علوم انسانی در شرایط کنونی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر امکانات آموزشی و پژوهشی موجود در کشورها و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر مسائل موجود در حرکت عظیم علمی و جنبش نرم‌افزاری و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر میزان موفقیت نظام آموزش دانشگاهی کشور در ایجاد روحیه‌ی تحقیق و تقویت بنیه‌ی علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر ارزیابی پاسخگویان از برنامه‌ریزی کشور جهت برنامه‌های علمی و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر چگونگی ارزیابی پاسخگویان از امکانات پژوهشی و مطالعاتی موجود در کشور برای تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه وجود دارد.

* بین دو متغیر قابل تحقق بودن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و جایگاه علمی ایران در رابطه با کشورهای در حال توسعه، با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه وجود دارد.